

پیکرراز



محمد علی میگوئی
گروه آموزشی مپ



فصل دهم نپای زنده

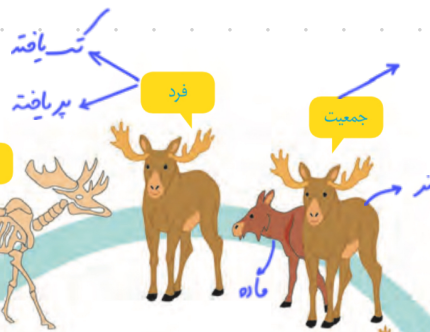


زندگی پر از تغییرات است. ما هم با وجود نفس جمعی بر رازهای بالغ محاورت می‌کنند.



حکایت اولین دریچه نمونه‌ای از تفسیر بین رشته‌ای است
تولیدکننده: اکتب معاصر، مرکز آغاخان، مرکز باغیجات

انتخاب طبعی در این درجه‌بندی رخ می‌دهد.



سازش در یک اجتماع رخ می‌دهد
حاصل یک بار دهم

اندام استخوان به بافت استخوانی،
بافت عضلانی، بافت پیوندی رشته‌ای



فصل دریچه ابدی
بوم‌سازگان

فصل ۸ بار دهم = زحمت‌آمیز و شیرین حاصل برای خرد
حکایت مخالف خود دارند به فصل نوح نون = حکایت نماند چینی

هر مسلمان حایر با اقلیم دیرانداز جانوران مسافر

فصل ۱ دهم

← **لشکره‌ی حیات**

← **چشم‌یافته و پیر یافته**

شکل ۳- سطوح سازمان‌یابی حیات

۱- یاخته پایین‌ترین سطح سازمان‌یابی حیات است. همه جانداران از یاخته تشکیل شده‌اند.

۲- تعدادی یاخته یک بافت را به وجود می‌آورند.

۳- هر اندام از چند بافت مختلف تشکیل می‌شود؛ مانند استخوانی که در اینجا نشان داده شده است.

۴- هر دستگاه از چند اندام تشکیل شده است؛ مثلاً دستگاه حرکتی از ماهیچه‌ها و استخوان‌ها تشکیل شده است.

۵- جانداری مانند این گوزن، فردی از جمعیت گوزن‌هاست. **درک یافته‌ها سطح ! سطح ۵ - یافته همان جاندار است.**

۶- افراد یک گونه که در زمان و مکانی خاص زندگی می‌کنند، یک جمعیت را به وجود می‌آورند.

۷- جمعیت‌های گوناگونی که با هم تعامل دارند، یک اجتماع را به وجود می‌آورند.

۸- عوامل زنده (اجتماع) و غیرزنده محیط و تأثیرهایی که بر هم می‌گذارند، بوم‌سازگان را می‌سازند.

۹- زیست‌بوم از چند بوم‌سازگان تشکیل می‌شود که از نظر اقلیم (آب و هوا) و پراکندگی جانداران مشابه‌اند.

۱۰- زیست‌کره شامل همه زیست‌بوم‌های زمین است.

✓ **بافت، اندام درختچه (سطح ۲، ۳، ۴) فقط در یافته‌های بافت درشوند.**

همه افراد یک جمعیت از یک گونه‌اند اما لزوماً همه توانایی تولیدمثل ندارند زیرا ممکن است ناملغ باشند همچنین فقط افراد با جنسیت قناروت می‌توانند با هم آمیزش کنند.

در جمعیت ۳ این اهمیت دارد: نوز، زبان، انسان

مثال از اجتماع = فصل هشت دوازدهم = اجتماع فردهای نر بر شامل جمعیت حل‌کننده دماغ‌کننده از لایونه متغیرات اند در سطح شکل کتاب مردم حل‌کننده نر نر تر بره و رازک

زواندی دربر برای برش نر و درجه دماغ کوچک تر دماغی زواندی برای دماغ بر اجتماع می‌است

← **نمونه جمعیت نادر / تعداد در اندازه / شکل / وضعیت**

بر تعداد شکل اجتماع دیم سازمان توصیف شود

① اختروده شدن حاکم در بوم‌سازگان = عمل غیرزنده

② اختروده شدن بوم‌های بیشتر

انسان نوز را به از سطح ۳ بعد انسان نوز است

اولین سطح با عمل غیرزنده = سطح ۸ = بوم‌سازگان

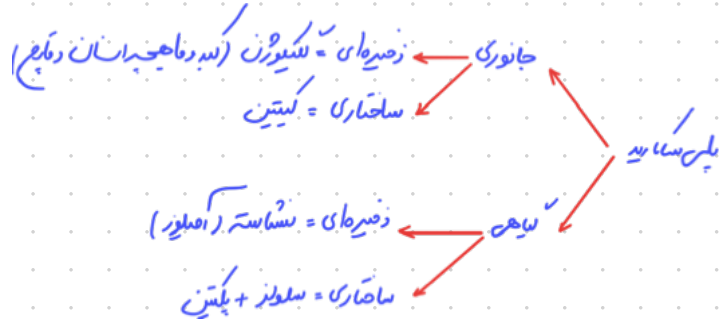
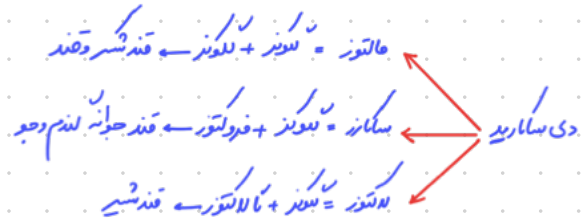
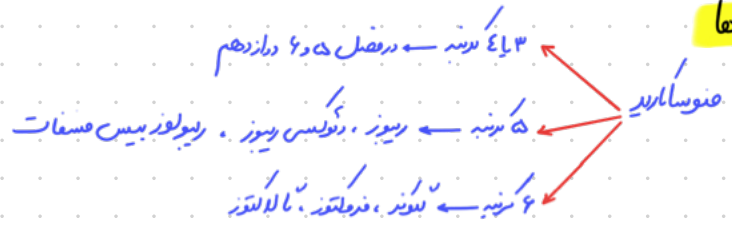
هر بوم‌سازگان فقط شامل یک اجتماع، محل‌های غیرزنده و تأثیرات آن‌هاست همه تنوع‌زنده دارد اما تنوع اجتماع ضعیف = تنوع نوز اولین بار در سطح ۷ (اجتماع) و تنوع فرد اولین بار در سطح ۶ (جمعیت)

دیده می‌شود



فصل دهم

گروه‌های زیستی

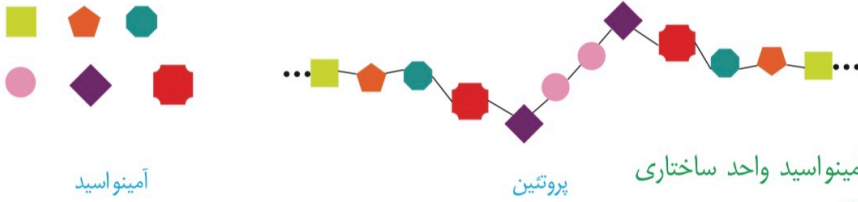


✓ در گروه‌های ها همواره حفر هستند (حلقه‌ای دارند)

✓ فوساریا، لکتیوزین، نشاسته، سلولز هم‌حفره لکتیوز است اما خود انحال، کماصغارت است مثل نشاسته و لکتیوزین شاف دار (نشاسته شاف لکتیوز دارد) اما سلولز بدون شاف است

✓ لکتیوزین ها هیچ حفره‌ای استفاده خودش است اما لکتیوزین که برای استفاده تمام بدن است. لکتوز اما در بدن توسط آنزیم در کبد را هیچ‌ها زئید من شود لکتیوزین بر حفره‌ها دارد) اما در زندگی لکتیوزین فقط از زئید لکتیوز، اراد من کند (لکتیوزین بر هیچ‌ها ندارد)

فصل ۱۰ دهم



پپتیدی = پیوند استراتر = بین کربن α با نوبلید α α سیر با تسیل کب
 در P_0 می تواند α α مساجم باشد نه متواند کارجم ایله از هم باشه
 اسیدهای چرب فسفولیپید با کافله تسیل باشند اما اسیدهای چرب ترکی لیسیسیرید می توانند از کافله غیر تسیل و طول تسیلان یا صفات باشند
 سر فسفولیپیدها علت وجود صفات نسبت ترکی لیسیسیرید تری است

پپتیدها

ترکی لیسیسیریدها = لیسیرول (سکرب دوست) + ۳ اسید چرب صفات (دم آب لیز) - رخن دچرب
 فسفولیپیدها = لیسیرول + صفات (سکرب دوست) + ۲ اسید چرب تسیلان از کافله غیر تسیل و اندازه
 استر دئیدها = لیسیرول

ک ترکی لیسیسیرید صفات چرب ولید دضربه تسیل در دضربه تسیل از حد کب کب موجب ایجار بکار کب چرب می شود ترکی لیسیسیرید در LDL و HDL، ملده های
 روه ماری بعد از حد حجم قابل مشاهده است



دنا = نردبال مارپیچ ۲ رشته ای
 مایک رشته ای مارپیچ
 هر دو به در کدر فرض پیچ حده اند

شکل ۸- دنا

فصل ۱۰ دهم

در ریخته‌های بی‌بهره وجود ندارد = دارای برج‌های نورانی
 برای نورانی کردن ریخته‌های (ترشح‌کننده)

دارای رباتن = پروتئین سارک
 چندین رشته منحصراً جهت تولید پهن و محکم
 دارای چند دایره‌های حلقوی با اندازه‌های متفاوت

هدایم از ۹ رشته ۳ آیمین بزرگتر + پرو
 فضای خالی در وسط
 تریک‌هسته
 فقط در ریخته‌های جانوری یافت می‌شود
 دیوانه‌ها حلقی کتاب صلب وجود ندارد

میانک (سانتریول)
 کافنده‌تن

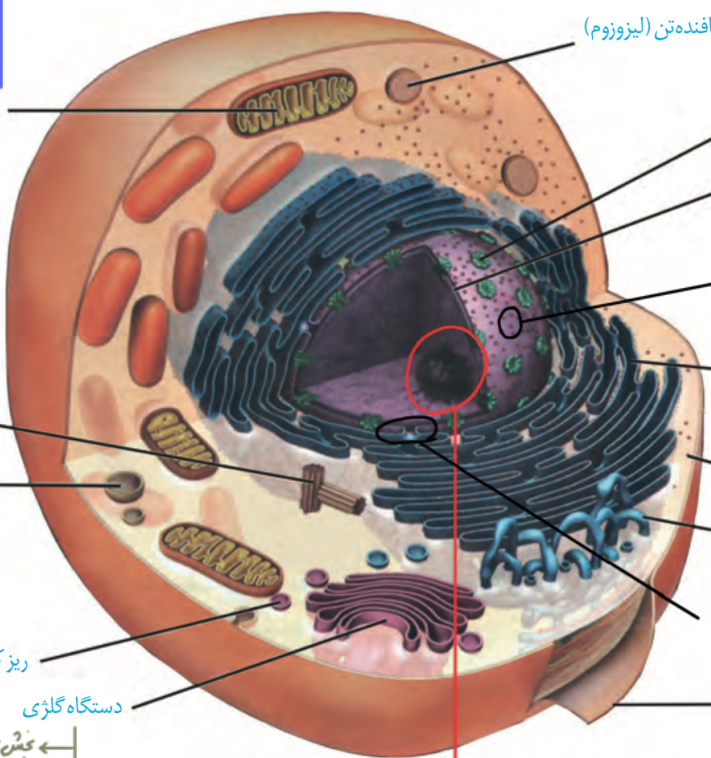
ریزکیسه
 دستگاه گلژی
 چشم‌کوب ← دیانت‌النده (توسعه‌دهنده)
 چشم‌مقعر ← خردون (دوراز هسته)
 در دوازدهم و پانزدهم است (دوازدهم)

کافنده‌تن (لیوزوم)

از نظر حجم قرار بر روتن چند پروتئین
 مثل کفتر پروتئین در فونین و مغل
 در کاسن با ۴ لایه سبیلیدیک (۱۲ لایه‌شا)

عمای‌مان
 در غشای هسته پرو
 می‌شود

شبکه آندوپلاسمی زبر
 رباتن (ریبوزوم)
 شبکه آندوپلاسمی صاف
 عمای خارج هسته و غشای اندوپلاسمی زبر در اکتوزان
 قرار دارد چند حدره است
 غشای ساخته



هسته
 محل ریخته‌های برای تولید رباتن
 توده متراکم از DNA
 لا پروتئین سازی → انحصار
 شبه اندوپلاسمی زبر لستاره مثل پلاسمیت / پروتئین سازی → شغف

کافنده‌تن از دوازدهم و پانزدهم است

تعداد دوازدهم و پانزدهم در اندوپلاسمی زبر به فعالیت ترشحی بستگی دارد

۱) لنتراک اندوپلاسمی (چندین لنتراک)
 ۲) لنتراک د دیانول (کوب لنتراک)

شبکه اندوپلاسمی در ریخته‌های پروتئین نقش دارد اما در کلیم کم‌تر است پروتئین را از ساز زیر این بار رباتن است

هر ماده‌ای در دستگاه لنتراک است لزوماً به بیرون ترشح نمی‌شود زیرا لنتراک ۲ نقش دارد: ۱) بسته‌بندی مواد (تولید کافنده‌تن و دیانول)

۲) ترشح محتویات دیانول‌ها که لنتراک هم در درون درک و بیرون رباتن دهم در تقسیم استولیم بیرون نقش دارد

فصل ۱۰م

در کتاب ماهیچه اندام محسوب می‌شود اما برخی طوطیان ممکن است به صورت ملخ بندیده

شکل ۹- یاخته جانوری و اندامک‌های آن:

رنتن (ریبوزوم): کار آن ساختن پروتئین است. ← تشکیل می‌یونیر پپتیدی = $Pr_0 \leftarrow RNA$
شبکه آندوپلاسمی: شبکه‌ای از لوله‌ها و کیسه‌ها که در سراسر سیتوپلاسم گسترش دارند و بر دو نوع زبر (دارای رنتن) و صاف (بدون رنتن) است. شبکه آندوپلاسمی زبر در ساختن پروتئین‌ها و شبکه آندوپلاسمی صاف در ساختن لیپیدها نقش دارد.
دستگاه گلژی: از کیسه‌هایی تشکیل شده است که روی هم قرار می‌گیرند. در بسته‌بندی مواد و ترشح آنها به خارج از یاخته نقش دارد.

با پریش هسته در ارتباط است - لیس‌های حجم پریش فیتین
عجم اندازه

در ناس با پریش هسته نسبت = لوله‌های لستره
لیس Pr_0
(تلیس‌های لستره)

ماقده من از بلیس زبر تراست

تعداد کیه‌های رت‌ناه نشی داندیلوس زبر بر صافت بر می‌بندید
ATP

راکیزه (میتوکندری): دو غشادارد و کار آن تأمین انرژی برای یاخته است. ← غشای بیرونی صاف و غشای داخلی چین‌خوردده با طول متفاوت در مقیاس $0.2 \mu m$ کافنده تن (لیبوزوم): کیسه‌ای است که انواعی از آنزیم‌ها برای تجزیه مواد دارد.

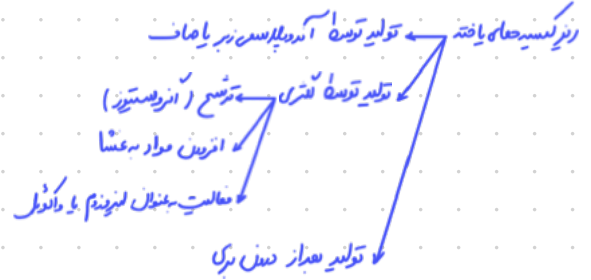
میانک (سانتریول): ساختار استوانه‌ای شکلی است که در سلول به تعداد دو عدد عمود بر هم دیده می‌شود و نقش ← در حالت عاده لای
آنجا در تقسیم سلولی است..
اصفت استوانه عمود جسم

ریزکیسه (وزیکول): کیسه‌ای است که در جابه‌جایی مواد در یاخته نقش دارد.

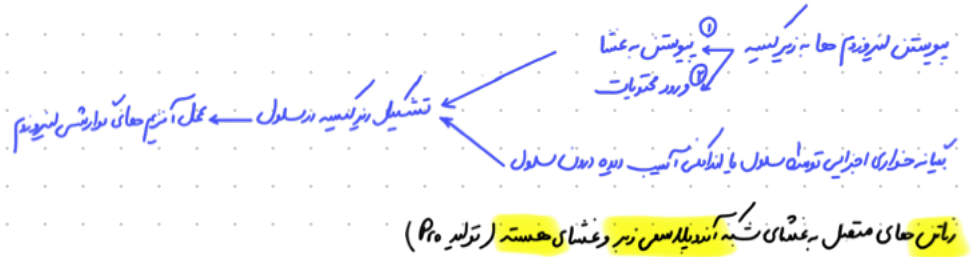
در حالت تقسیم لای

فصل ۱۰ دهم

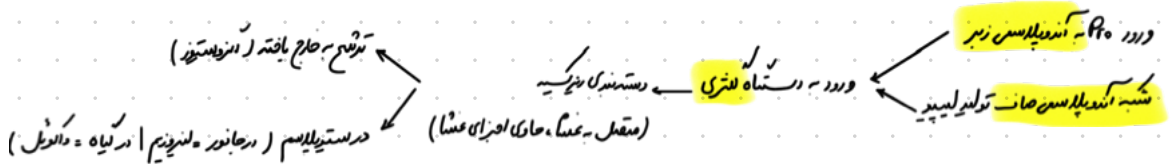
- ✓ فاعل عشا ← راتن ، استیوول هم پروکسیریت
- ✓ استیوولایسم ← (۱) ماده غذایی (۲) اندام ها ← عشا دار ← استیوولری **نقده پروکسیریت**
- ✓ راتن از زیر واحد نریز خود به شش آندوپلاسم منقل است.
- ✓ محل راتن ها: ① آمار در استیوولایسم ② در عشا کیسه آندوپلاسم زیر عشا هسته ③ درین استیوولری و لکروپلاست
- ✓ **نوع ترین لیکوف** = راتن **نوع ترین لیکوف عشا** = **ریزیه**
- ✓ **شش آندوپلاسم زیر عشا** هسته عشا کیسه دار و ازین طریق ، آن ارتباط دارد اما شش آندوپلاسم ها از جهت دندراست اما با شش آندوپلاسم زیر در تماس مستقیم است
- ✓ مواد برای رسیدن از آندوپلاسم لتری درین **ریزیه** تولیدی توسط آندوپلاسم زیر کنترل لیرند.
- ✓ همی ایست همان جانورکی برای تولید عشا فسفولپید و لکسترول توسط آندوپلاسم ها تولید و تولید شکر در ریزیه را عشا منترانید و علاوه لبر برای تولید صمغ احم لکسترول و صمغ فسفولپید
- ✓ **ترشح** می کند ، علاوه هر دو نوع های لکسترول هم به شش بیرون لری ترشح می شود (گلکوز ۹۸)
- ✓ در عشا هضم عشا هسته ، آندوپلاسم قشری می شود اما رتناه لکتری ضری
- ✓ ترشح حراره به عشا ای انروستیز نیست (ماهر ترشح با انتشار است) اما انروستیز حراره در جهت ترشح است.
- ✓ لفظ داشتن آنجی های لوارشی (نر ترشح) برای هر سلول زنده صمغ است به دلیل داشتن ماده من حراره نریز و درکی
- ✓ **راتن های آمار در عشا (تولید Pro)** : عمود از مناقده هسته و ورود به هسته / فعالیت در استیوولایسم / ورود به استیوولری دیلاست و فعالیت درین



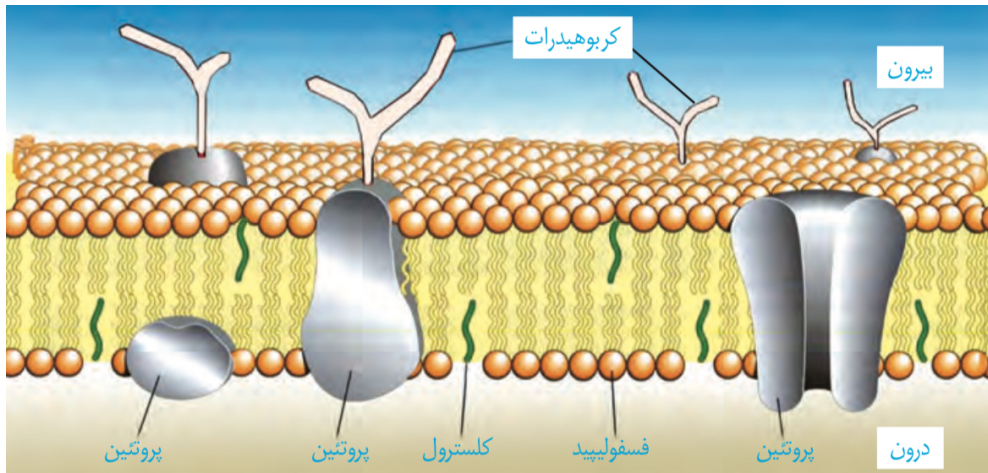
✓ پروتئین درین تولید توسط راتن عشا آندوپلاسم زیر از طریق سرکاهی وارد آن می شود



✓ راتن های منقل به عشا شش آندوپلاسم زیر عشا هسته (تولید Pro)



فصل ۱۰ دهم

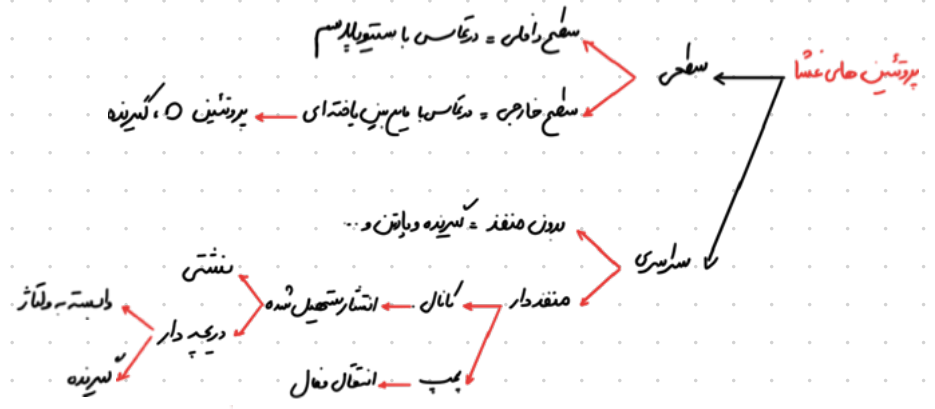


عناصی یافته جانوری
زیر کلاسترول دارد

فرمان عسای یافته جانوری: ۱۱ فسفولیپید، ۱۲ کلسترول (لیپیدهای عسای)، ۱۳ پروتئین، ۱۴ کربوهیدرات

کربوهیدرات های عسای حشره در سطح خارج و منسحب اند (۲ انقباض - پس نوبت تیره)

کلسترول در سطح داخلی بیشتر از سطح خارج است.



همه پروتئین ها همسر اختصاصی دارند (برون استعنا)

پروتئین های مانال درجه دار و پمپ برخلاف مانال نشسته برای فعالیت تغییر شکل در همد (تغییر موقتی تیره های R نسبت به هم)

کربوهیدرات های عسای ← لکتولیپید ← متصل به فسفولیپید (کستر)

لکتولیپید پروتئین ← متصل - P₂₀ (بشتر)

برخی پروتئین های مانال همسر گلیکوزید هم دارند = گلیکوزید مانال همسر (کب باز هم)

در عسای P₂₀ ها با فسفولیپید درکاس اند (البته نه با هر کس فسفولیپید = ۵ باز هم)، همچنین در هر سوره P₂₀ با کلسترول درکاس مستقیم نیست.

فصل ۱۰ دهم

فسفولیپیدهای لایه خارج غشای در تماس با فاعل بین یاخته‌ای (در رویارویی‌ها) و فسفولیپیدهای لایه داخل غشای در تماس با استروماتوم است.

لسترول با فسفولیپید در تماس است اما با پروتئین در تماس نیست - با هم در تماس نیستند.

هم‌پایه در غشای لسترول در درگاه (لایه درونی و بیرونی) قرار نمی‌گیرند.

لایه بیرونی - انال سراسری در پیچ دار

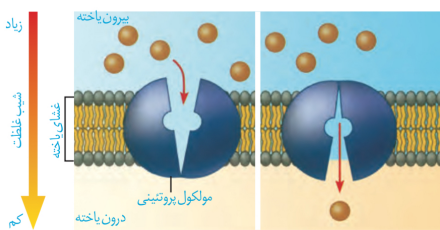
پروتئین سطح خارج با سراسری در پیچ

پروتئین‌های غشایی در سطح بیرونی می‌توانند در تماس با PrO های بین سلولی (مثل کلاژن و گلیکوپروتئین‌ها) در لایه بیرونی غشای سلول، سرفکت، سیتوپلازم (سیتوپلازم) و در سطح درونی در تماس با PrO های درونی سلولی (مثل آنتی‌بادی و هموگلوبین در گلبول‌های قرمز) قرار گیرند.

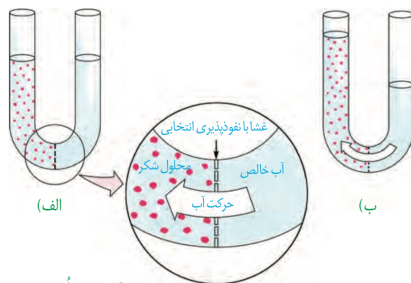
در غشای یاخته در هر لایه فسفولیپیدها سرهای آب دوست به سمت بیرون و دم‌های آب‌گریز به سمت درون قرار دارد. در حقیقت دم‌های آب‌گریز به سمت هم می‌باشند.

به تفاوت لایه‌ها توجه شود، در اندک‌های در غشای فضای بین لایه‌ها هر غشای با فضای بین لایه‌ها تفاوت دارد.

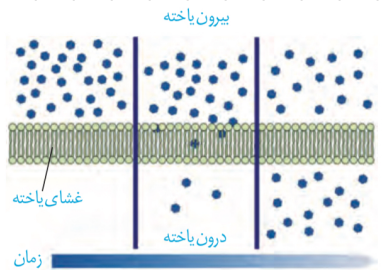
اطلاعات نام‌های آب‌گریز / اطلاعات تقسیمه سرهای آب‌دوست



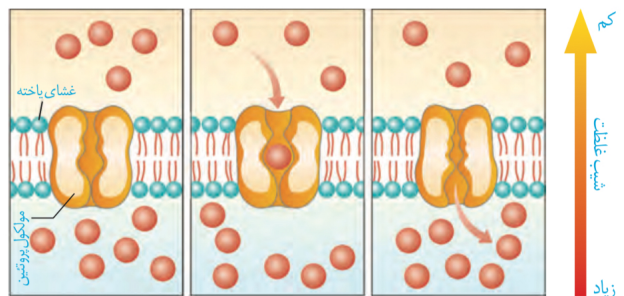
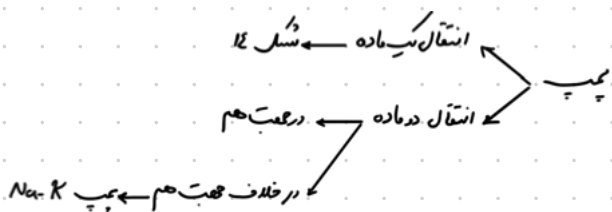
شکل ۱۲ - انتشار تسهیل شده



شکل ۱۳ - اسمز



شکل ۱۱ - انتشار ساده



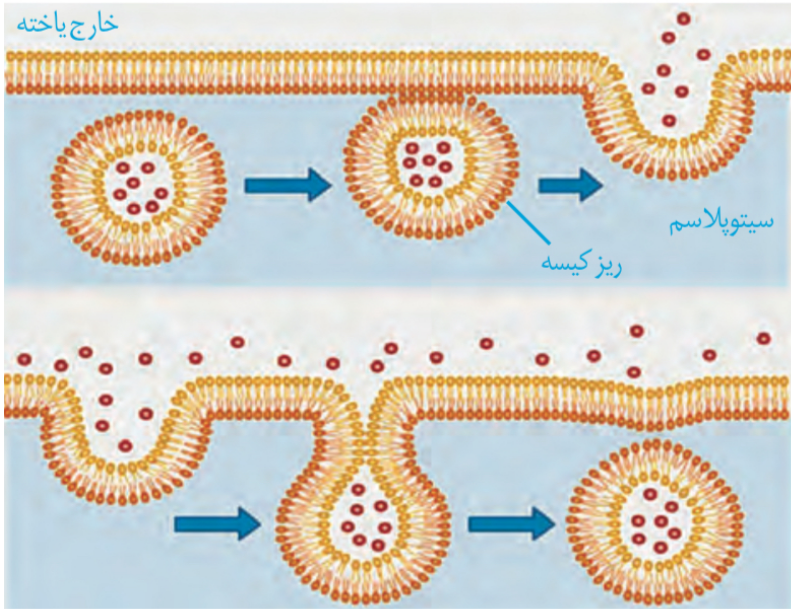
شکل ۱۴ - انتقال فعال

انتقال فعال با صرف انرژی همیشه در این انرژی می‌تواند (نه لزوماً) ATP باشد. علاوه بر این، این انرژی می‌تواند از منابع مختلف ماده دسری یا انرژی حاصل از انتقال الکترون (۵ دزدانه) در لایه بیرونی غشای سلول حاصل می‌شود.

بعضی می‌تواند.

این انرژی پمپ توسط ATP تأمین می‌شود که بخش از قسمت درون سلول پمپ حاصل از انرژی برای تجزیه ATP دارد.

فصل ۱۵



(الف) در عصب‌های ریز، سیب‌کده‌ها در انتهای عصب‌ها به یکدیگر می‌چسبند و عصب‌ها را یاخته‌ها قرار می‌دهند. یعنی در عصب‌های ریز، سیب‌کده‌ها در جبهه‌ها قرار می‌گیرند. در لایه‌های درونی، سیب‌کده‌ها در انتهای عصب‌ها قرار می‌گیرند. در لایه‌های بیرونی، سیب‌کده‌ها در انتهای عصب‌ها قرار می‌گیرند. در عصب‌های در لایه‌های بیرونی، سیب‌کده‌ها در انتهای عصب‌ها قرار می‌گیرند.

(ب) در عصب‌های در لایه‌های بیرونی، سیب‌کده‌ها در انتهای عصب‌ها قرار می‌گیرند. در عصب‌های در لایه‌های بیرونی، سیب‌کده‌ها در انتهای عصب‌ها قرار می‌گیرند.

شکل ۱۵- الف) برون‌رانی، ب) درون‌بری

درون‌بری و برون‌رانی می‌تواند در جهت مخالف جهت

سیب‌کده‌ها باشد. در هر دو طرف با مصرف ATP است.

در برون‌بری، سیب‌کده‌ها به عصب‌ها می‌چسبند و محتویات آن‌ها خارج می‌شود پس حلال بزرگ‌تری غلاف است.

در درون‌بری، سیب‌کده‌ها با عصب‌های سیب‌کده‌ها می‌چسبند و در برون‌رانی، سیب‌کده‌ها می‌چسبند.

در درون‌بری، سیب‌کده‌ها می‌چسبند و در برون‌رانی، سیب‌کده‌ها می‌چسبند. اما در برون‌رانی، سیب‌کده‌ها می‌چسبند (افزایش سیب‌کده‌ها باعث می‌شود که سیب‌کده‌ها بیشتر از آنجا بیرون‌رانی کنند).

بعضی یاخته‌های بزرگ‌تری (زیل) باید توانایی تشکیل ریزکده‌ها داشته باشند.

درون‌بری (آندوسیتوز) و برون‌رانی (اکزوسیتوز): بعضی یاخته‌ها می‌توانند ذره‌های

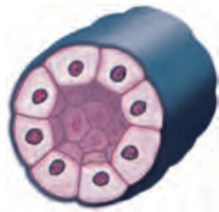
بزرگ را با فرایندی به نام درون‌بری جذب کنند. برون‌رانی فرایند خروج ذره‌های بزرگ از یاخته است.

این فرایندها با تشکیل ریزکده‌ها همراه است و به انرژی ATP نیاز دارد (شکل ۱۵).

همراه با تغییر پتانسیل پرولپسین‌های عصب‌ها + همگ‌بروز Ca^{2+} ها در درون ریزکده‌ها (اما از طریق Ca^{2+} ها غلاف).

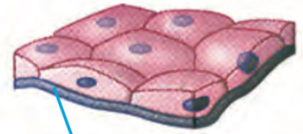
فصل دهم

بافت پوششی



مکعبی یک لایه ای گردبزه (نقرون)

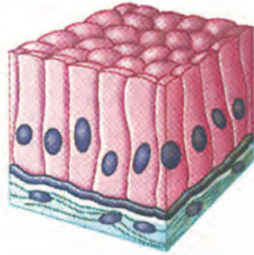
در زیر عتسای پایه هکمن است
هیچ بافتی نباشد = قدیرت و حبیب



غشای پایه

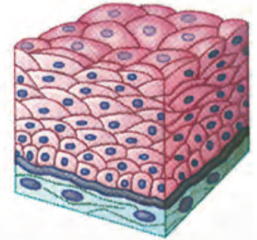
سنگ فرشی یک لایه ای (دیواره مویرگ)

بافت زیرین معمولاً پیوندی
است اما همیشه نه
مثلاً در پوست پیوندی صبرکرم است



استوانه ای یک لایه ای (روده)

در سنگ فرشی چند لایه سلول های
پایین (تترکس عتسای پایه) معمولاً مکعبی
(سلول های بزرگی اند) و در حدی بالاتر
من بوم هکمن تر شده و نسبت فرشی تر شوند.



سنگ فرشی چند لایه ای (مری)

استوانه ای = لوله نوارش از دره بر بعد + رشته تنفس (بینی و مای و...) + لوله فالوپ و دیواره رحم + جدارک نیم رابریو

مکعبی = لوله پیچ خورده تنبیه و در حمله + غده بزاقی (غده بزاق بزیر)

سنگ فرشی = رز (حذف رگتس) + اندامار و بیکی مار و امی کارد + نوع حبیب + دیواره خارج بون

پودوسیتین = بافت پار پوششی

نوع دم دیواره حبیب = دارای زوائد زیر عتسای

بافت پوششی

تک لایه
هکمی سلول ها
بر عتسای پایه
متعلقند

چند لایه

بعضی سلول ها - عتسای
پار متصل هستند

سنگ فرشی = امی دم پوست (سلول های سطحی دره) + دهان و حلق و درک و زبان (همه بافت های زنده)

مکعبی = غده بزاق بزیر

استوانه ای = سلول های بون

فصل دهم

بافت پوششی فضای بین بافته ای اندر دارد - شباهت فضای بین بافته ای ندارد. البته ترم سفت در بند خونس مغزی و کام (عضل ۱ یا ۲ هم) لغت تر شود بافته های

پوششی در اینجا هم چسبیده اند. در بین آن ها فضای بین بافته ای وجود ندارد. همچنین اشتبا در درید ناپویسته فضای بین بافته ای پوششی زیاد است.

همه ی غده دون ریز بافت پوششی اند اما غده سوزن نیز در نوز هفتد که نوع خاصی قیل هیپوتالاموس و هیپوفیز پسین و فوق کلیه درزی و نوع دسیر پوششی اند (نوع چند لایه)

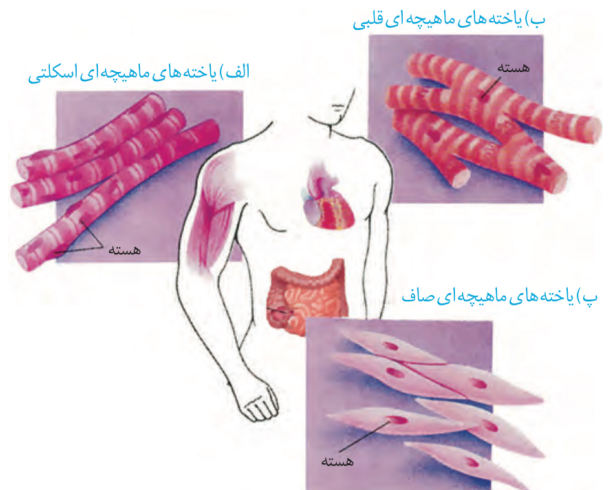
نام گذاری بافت پوششی درکت لایه ها براس فزادان تری بافته ها و در عدلایه ها براس سطح تری بافته ها صورت میگیرد.

سلول های راست روده ملخ + دامنه حیدر = استخوانه ای
سلول های روده + راست روده ملخ + پوست ستاره درایس + خارج حیدر = ملخ

بافت ماهیچه ای

| مقایسه بافت های ماهیچه ای | اسکلتی (مخطط) | قلبی | صاف |
|---------------------------|-----------------|--|-----------------|
| شکل و ظاهر | مخطط درشته ای | مخطط درشته ای | غیر مخطط درکت |
| انقباض | غیر منقبض | منقبض | غیر منقبض |
| حسته | چند هسته ای | قلب چند هسته ای درزی بجز تک هسته درزی | تک هسته ای درزی |
| مفالت | ارزی - غیر ارزی | غیر ارزی | غیر ارزی |
| عقب رسان | پیکری | خود مختار | خود مختار |
| اکتین و میوزین | ✓ | ✓ | ✓ |
| سارکومر | ✓ | ✓ | × |

ماهیچه اسکلتی فرد (غیر جنین) اصلا تکثیر نمیشود اما ماهیچه صاف
تا ماه تولد تکثیر دارد (عضل ۶ و ۷ یا ۸ هم)

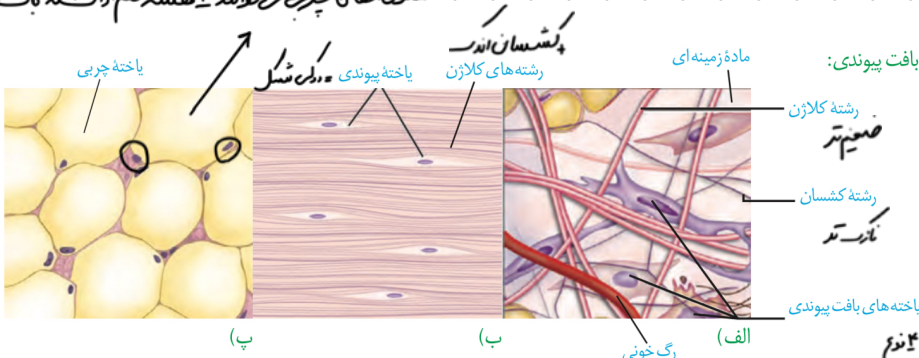


فصل ۱۰ دهم

بافت پیوندی

در بافت پیوندی نسبت رشته‌های لادرون به‌جای کشمان کم‌تر است در دسته‌های چندگانه‌ای قرار می‌گیرند

سلول‌های چربی می‌توانند با همسته هم رشته باشند



شکل ۱۷- انواع بافت پیوندی:

- فایح } الف) شست
- جابه } ب) متراکم
- پ) بافت چربی

- دارای برونه } بافته‌های کشیده
- یاخته‌های برونه
- یاخته‌های چربی
- فایح

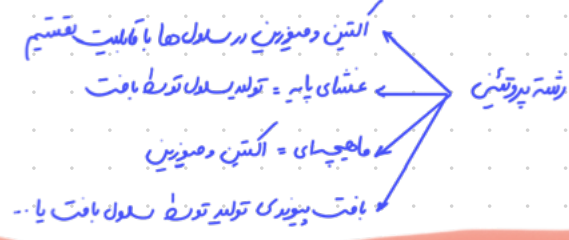
سه از رشته‌های پرترین هم ضخیم‌تر

بافت پیوندی

- ← **سست** = ۴ لایه پوروس + برده صفاف
- ← **متراکم** = هیوکار و دانوکار و پیکار و اسپر مار + باه و زردی + کسول مفصلی + اطراف و درون ماهیچه + اطراف استخوان + دم پوست + کسول قلبی + صلیب
- ← **بافت چربی** = دارای لادرون و کشمان + فایح زینتی جابه
- ← **حذن** = فایح لادرون و کشمان (دارای رشته‌های سیر) + فایح زینتی فایح
- ← **استخوان** = فقط دارای لادرون (فایح کشمان) + فایح زینتی جابه
- ← **عقدروف** = فایح زینتی فایح جابه

معمولاً فضای بین بافته‌ای در بافت پیوندی (سست / متراکم / استخوان و...) زیاد است اما همیشه نه. مثلاً در بافت پیوندی متراکم اطراف استخوان دراز - دلیل نحوه قرارگیری این بافت در دلایه داخلی و اطراف بافته‌های پیوندی حجم فشرده بوده و بسیار به هم نزدیک اند. دلایه‌های سخت و سبک و رشته کشمان وجود دارد اما خود بافت پیوندی نیست.

وجود رشته پررتیشی در خون در شرایط فیدلوسیر قبل ازخته رخ می‌دهد

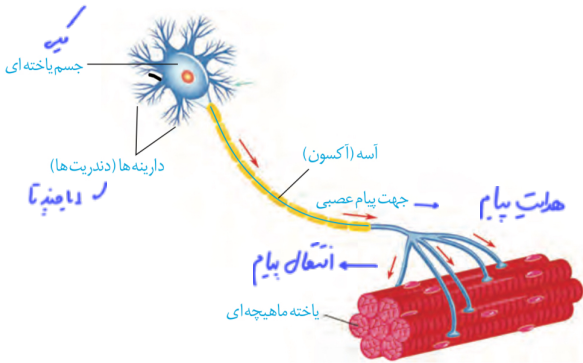
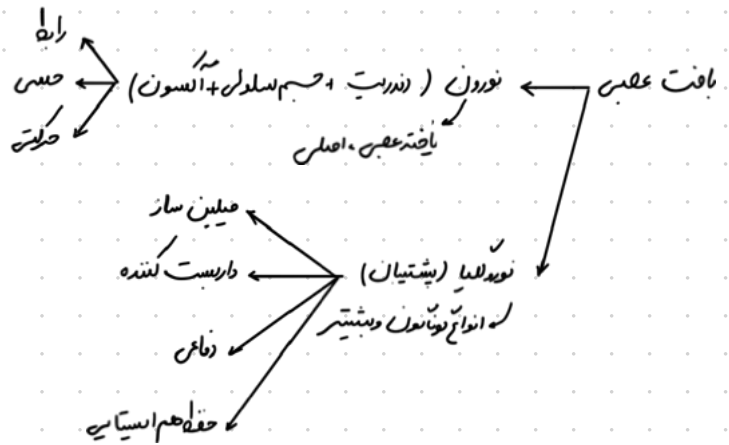


فصل ۱۰ دهم

به دلیل ذخیره چربی درون بافت‌های چربی، هسته به محارت عموماً رانده می‌شود.
اندازه سلول‌ها در بافت چربی و فاصله بین بافت‌ها در آن - مقدار ذخیره چربی بستگی دارد.

در پیوندی قه‌رکیم معمولاً رشته‌های پروتئینی موازی هم هستند اما در پوست اینگونه نیست در رشته‌ها در حالت ضد بزرگی قرار می‌گیرند.

بافت عصبی



شکل ۱۹- بافت عصبی